یادداشت

وام‌های بی‌برنامه پاشنه آشیل توسعه

سیحان فروغی‌دهنوی
فعال دانش‌بنیان

توسعه بخش خصوصی و کوچک شدن بدنه دولت، اشتغالزایی گسترده، تقویت پیوند بین آموزش عالی و بازار کار، افزایش درآمدهای دولت، از بین رفتن واسبستگی به خارج از کشور و... همگی از مزایای اقتصاد دانش‌بنیان است و از طرفی اقتصاد مبتنی بر دانش به‌دلیل متکی بودن به توانمندی‌های فکری افراد از سازگاری و انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار بوده و این نوع اقتصاد، کمتر دچار تهدیدات داخلی و خارجی و در صورت تحقق، بسیاری از مشکلات کشور مرتفع می‌شود. همین دلایل کافی است تا متولیان امر اقتصاد دانش‌بنیان را به‌عنوان یک ضرورت و هدف پیگیری و در این راستا برنامه‌ریزی کنند. تولید دانش‌بنیان تولیدی است که از تحقیق و توسعه توأم با نوآوری و فناوری ناشی از طراحی تا بومی‌سازی محصول، حاصل فعالیت و دانش نیروی انسانی متخصص داخلی باشد. این نوع تولید است که می‌تواند رقابت‌پذیر باشد، ارزش‌افزوده و امکان توسعه و بروزرسانی براساس نیاز بازار را داشته باشد و در نهایت، موجب توسعه اقتصادی شود. یکی از مولفه‌های مهم توسعه دانش‌بنیان در جریان اقتصاد کشور تسهیلات بانکی است. ابتدا باید به این نکته واقف باشیم که به‌طورکلی تسهیلاتی که به دانش‌بنیان‌ها اعطا می‌شود، با تسهیلاتی که به دیگر شرکت‌ها داده می‌شود، تفاوت چندانی ندارد، چرا که بیشتر دانش‌بنیان‌ها هم برای دریافت تسهیلات و وام، نیازمند ضمانت‌نامه‌های متعدد هستند. درصد زیادی از دانش‌بنیان‌هایی که از دل دانشگاه‌ها یا مراکز علمی بیرون آمده‌اند، موفق به دریافت چنین وام‌هایی نمی‌شوند. بیشتر این افراد یا گروآوری افراد توانمند یا حداقل‌ها اغلبا کرده و چندین بار به نقطه صفر و حتی زیر صفر هم رسیده‌اند. به‌طورمعمول شرکت‌های بزرگ با کافئدی موفق به دریافت وام و تسهیلات بانکی می‌شوند. تفاوت چندانی میان وام‌هایی که به دانش‌بنیان‌ها و دیگر شرکت‌ها ارائه می‌شود، نیست. به‌طور کلی اعطای وام‌های بانکی در ایران از تنوع بالایی برخوردار نیست و روال ثابت خودش را دارد. در بسیاری کشورهای پیشرو ۲ راهکار برای تامین مالی و حمایت از دانش‌بنیان‌ها وجود دارد؛ سرمایه‌گذاری اشتراکی و اعطای وام. در سرمایه‌گذاری اشتراکی همان‌گونه که می‌توان از نام آن فهمید، سرمایه‌گذاران در قالب مشارکت با صاحبان شرکت همکاری می‌کنند. در بخش اعطای وام، به‌طورمعمول شرکت‌هایی وام می‌گیرند که می‌دانند با دریافت وام، مشکل اصلی شرکت تا حد زیادی رفع می‌شود. در تمام دنیا این ۲ روش جواب داده، اما در ایران اعطای وام به‌نوعی تبدیل به پاشنه‌آشیل رشد و توسعه کشور شده است. مشکل ما در ایران این است که روش اعطای تسهیلات روند استانداردی ندارد و به‌همین دلیل به شرکت‌های کوچک دانش‌بنیان تعلق نمی‌گیرد. به‌طورمعمول برای اعطای وام به شرکت‌های دانش‌بنیان باید بیلان مالی سالانه شرکت مورد‌ارزیابی قرار گیرد و برمبنای آن وام تعلق یابد، نه آنکه وثیقه همتراز بخواهند. امروزه روش‌هایی رواج داده شده که ماحیان شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند با استفاده از شرایط موجود پیش‌بینی‌های دقیق‌تری نسبت به درآمدهای‌شان در آینده داشته باشند و براساس آن، درخواست دریافت وام بدهند و موسسه‌ای که متولی این خدمات است، باید براساس سیستم گردش مالی آن شرکت و تاریخچه‌ای که داشته، وام اعطا کند؛ چنین روندی در سیستم بانکی ایران وجود ندارد. حال باتوجه به تعریفی که از دانش‌بنیان می‌شناسیم، ارائه یک وثیقه بزرگ ملکی برای دریافت وام به طنز می‌ماند. به‌طورقطع ارائه تسهیلات برای شرکت‌های دانش‌بنیان امری درست است، هرچند در ایران تنوع زیادی ندارد و به‌اعتقاد من، دانش‌بنیان‌ها باید از تسهیلات مالی استفاده کنند. از آنجا که یکی از راه‌های تامین هزینه مورد‌نیاز کسب‌وکارها اعطای وام است، نمی‌توان تمامی نظام بدهکاری را زیر سوال برد. در اصل، یک بخش مهم تامین مالی دانش‌بنیان‌ها از طریق وام‌ها حاصل می‌شود. حال اینکه این روش به‌درستی کار نمی‌کند باید روال کار صندوق نوآوری و شکوفایی را بررسی کرد.

نگاه

کوروش احمدی مطرح کرد:

ظهور مساله جدید در پرونده ایران و آمریکا

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در خصوص ادعاهای مقامات آمریکایی در خصوص تاثیر ایران در جنگ اوکراین اظهار داشت: این ادعاها از این منظر حائز اهمیت است که به این ترتیب یک مقوله جدید را وارد پرونده میان ایران و آمریکا می‌کند. به این معنا که علاوه بر پرونده‌های سیاسی و حقوقی قبلی که از قبل وجود داشته است، آمریکا به دنبال باز کردن پرونده جدید دیگری است. کوروش احمدی درباره تبعات اثبات ادعای فروش پهپاد به روسیه، توضیح داد: اگر اثبات شود، ابعاد تبعات عملی و مستقیم برای ایران توسط غرب کار آسانی نخواهد بود. البته وجود تبعات سیاسی و تبلیغاتی برای ایران قطعی است. وی افزود: به لحاظ حقوقی ممکن است در گیر کردن دیوان بین‌المللی کیفری دشوار باشد. اما دست کم در سطح انجام تحقیقات این دیوان از مارس گذشته و بر اساس ایتکار دادستان دیوان و ارجاع موضوع اوکراین از سوی شماری از کشورهای درگیر تحقیقاتی در مورد شرایط جنگی در اوکراین شده است. اما نظر به اینکه اوکراین و روسیه و ایران عضو اساسنامه رم نیستند، قرار گرفتن موضوع در دستور کار دیوان تنها از طریق ارجاع موضوع توسط شورای امنیت ممکن خواهد بود که با توجه به رای وتو روسیه عملی نخواهد بود. این احتمال وجود دارد که دادستانی این دیوان بپذیرد که تحقیقات جاری را به نقش ایران نیز تسری دهد. احمدی تاکید کرد: این می‌تواند به پرونده دیگری در کنار پرونده کمیسیون حقیقت یاب شورای حقوق بشر علیه ایران تبدیل شود. یعنی به موازات تحقیقات شورای حقوق بشر، یک تحقیقاتی هم از این سو در ارتباط با مساله بپهادها باز شود. این کارشناس توضیح داد: در خصوص اینکه در نهایت به کجا خواهد رسید، همان طور که گفتم گرفتن نتیجه عملی آسان نخواهد بود، ولی به لحاظ سیاسی و تبلیغاتی استفاده‌هایی برای غرب خواهد داشت و ممکن است دست غربی‌ها را برای اینکه در شورای امنیت مکانیزم ماشه را فعال کنند، بازتر کند.

ویژگی‌های بودجه ۱۴۰۲ در گفت‌وگو با غلامعلی جعفرزاده:

بودجه سال آینده با فرض به نتیجه نرسیدن برجام تدوین شده است

- اولویت اصلی مردم وعده‌هایی است که تاکنون عملی نشده است
- جای اولویت‌ها در بودجه سال آینده تغییر کرده است
- دولت خود را برای بدترین وضعیت ممکن آماده کرده است
- نباید با تورم ۴۵ درصدی حقوق کارمندان ۲۰ درصد افزایش پیدا کند

«آرمان ملی» -احسان انصاری: بودجه سال آینده با توجه به چه اهدافی تدوین شده است؟دولت برای حل مشکلات مردم چه راه‌حل‌هایی در نظر گرفته است؟ آیا دولت در واقع می‌تواند به میزان فروش نفتی که در بودجه در نظر گرفته برسد؟ آیا بودجه با توجه به بن‌بست در مذاکرات هسته‌ای و به نتیجه نرسیدن برجام تدوین شده است؟ مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف بودجه سال آینده چیست و چه چشم‌اندازی را پیش روی اقتصاد کشور قرار خواهد داد؟«آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با غلامعلی جعفرزاده، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و فعال سیاسی گفت‌وگو کرده است. جعفرزاده معتقد است:«بانک جهانی در سال مالی ۲۰۲۳-۲۰۲۴ نرخ تورم در ایران را ۴۴ درصد پیش‌بینی کرده است و صندوق بین‌المللی پول این رقم را حدود ۵۰ درصد پیش‌بینی کرده است. به این معنا که در سال آینده با حداقل با نرخ تورم ۴۰ الی ۵۰ درصد روبه‌رو هستیم. من پیش‌بینی می‌کنم دولت برای سال آینده ۵۰۰ هزار میلیارد تومان دچار کسری بودجه می‌شود. پیشنهاد می‌کنم مجلس این بودجه را برای اصلاح به دولت عودت بدهد.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

بودجه سال ۱۴۰۲ با چه اهدافی تدوین شده است؟ آیا بودجه سال آینده با شرایط کنونی کشور به خصوص از نظر اقتصادی تناسب دارد؟

در شرایط کنونی مردم با گرانی‌های افسارگسیخته‌ای مواجه هستند. ظاهرا نیز همه این وضعیت را پذیرفته‌اند و به این نکته پی برده‌اند که در شرایط کنونی فعلا نمی‌توان راه‌حلی برای این مشکلات پیدا کرد. اگر کسی واقعا به دنبال اجرا کردن قانون است باید قوانینی را در دستور کار خود قرار بدهد که تاکنون مسکوت مانده است. امروز جامعه چنین برداشتی دارد که برای تغییر اولویت‌ها واقعا هدف اصلی گم شده است. گرانی‌ها سفره‌های مردم را کوچک‌تر کرده. در چنین شرایطی در بودجه سال آینده افزایش حقوق با این میزان تورم و گرانی‌ها صرفا ۲۰ درصد بوده و افزایش یارانه‌های مردم صفر درصد بوده است. نکته بسیار جالب این است که تنها بودجه‌ای که کاهش پیدا کرده بودجه ستاد مبارزه با مواد مخدر است که در سال جاری ۳۸۰ میلیارد بود که در سال آینده به کمتر ۲۵۵ میلیارد رسیده است. آیا واقعا مشکل مواد مخدر در کشور حل شده است؟ بانک جهانی در سال مالی ۲۰۲۳-۲۰۲۴ نرخ تورم در ایران را ۴۴ درصد پیش‌بینی کرده است و صندوق بین‌المللی پول این رقم را حدود ۵۰ درصد پیش‌بینی کرده است. به این معنا که در سال آینده با حداقل نرخ تورم ۴۰ الی ۵۰ درصد روبه‌رو هستیم. من پیش‌بینی می‌کنم دولت برای سال آینده ۵۰۰ هزار میلیارد تومان دچار کسری بودجه می‌شود و این بودجه را به صلاح کشور نمی‌دانم زیرا عملیاتی نخواهد بود. پیشنهاد می‌کنم مجلس این بودجه را برای اصلاح به دولت عودت بدهد

چرا در بودجه سال آینده بودجه برخی نهادها افزایش پیدا کرده است؟

این نکته درستی است. اگر ما به بودجه برخی نهادها در سال آینده دقت کنیم متوجه می‌شویم که دولت چه رویکردی را قرار است در سال آینده در پیش بگیرد. واقعیت این است که دولت به صورت غیرعلمی بودجه برخی نهادها را افزایش داده است. براساس بودجه‌ای که دولت به مجلس داده بودجه صداوسیما ۳۱/۲ درصد، سازمان زندان‌ها ۵۴/۵ درصد افزایش داشته و از ۶ هزار میلیارد به ۹ و ۲۷۳ میلیارد تومان رسیده است. ستاد احیای امر معروف ۳۳/۳۳ درصد افزایش داشته و از ۵۷ میلیارد به ۷۶ میلیارد تومان رسیده است. ستاد اجرایی فرمان امام با ۷۱ درصد افزایش از ۲۱ میلیارد تومان به ۳۶ میلیارد تومان رسیده است. بودجه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با ۵۴ درصد افزایش از ۲۲۶ میلیارد به ۳۴۹ میلیارد تومان رسیده است. بسیج سازندگی نیز با ۲۷۵ درصد افزایش از ۱۶ میلیارد به ۷۶ میلیارد تومان رسیده است و بودجه بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس ۱۵۹ درصد افزایش داشته که از ۱۶۷ به ۴۳۳ میلیارد تومان رسیده است. این وضعیت نشان می‌دهد که جلوی جای اولویت‌ها در بودجه سال آینده تغییر کرده است. من از رئیس جمهور تقاضا می‌کنم به وعده‌هایی که به مردم داده‌اند باز گردند و آنها را عمل کنند. مردم براساس وعده‌هایی که آقای رئیسی داده به ایشان رأی داده‌اند. اولویت اصلی مردم نیز همین وعده‌هایی است که تاکنون عملی نشده است.

مهم‌ترین نقاط ضعف بودجه سال آینده را در چه مسائلی می‌دانید؟

در این زمینه باید به چند نکته توجه کرد. دولت می‌خواهد کسری بودجه را از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی تامین کند که با فرض تورم ۴۵ درصدی در سال آینده، جمع منابع عمومی دولت، ۲ درصد کاهش پیدا می‌کند. بنابراین دولت بیشترین حساب را روی اوراق مالی کرده است. به صورت خلاصه یارانه پنهان ۱۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است، هزینه‌های دولت ۴۶ درصد، بودجه شرکت‌های دولتی ۴۰ درصد و کل بودجه و یارانه‌های آشکار ۳ درصد افزایش پیدا کرده است. این در شرایطی است که در تورم ۴۵ درصدی، دولت حقوق کارکنان را ۲۰ درصد افزایش داده است. درآمد ۶۰۳ هزار میلیارد تومانی فروش نفت در بودجه ۱۴۰۲ عجیب است چرا که با وجود تحریم‌ها، بعید می‌دانم دولت بتواند این مبلغ را از فروش نفت به دست بیاورد. مرکز پژوهش‌های اتاق ایران اعلام کرده بودجه عمرانی ۲۶ درصد افزایش داده است. این مرکز گفته است که ۶ هزار طرح و پروژه ملی و بیش از ۸۰ هزار پروژه استانی نیمه‌تمام وجود دارد، با فرض اینکه هیچ پروژه‌ای کلنگ‌زنی نشود، ۲۰ سال آینده هم این‌ها به بهره‌برداری نخواهد رسید. بودجه‌ای که ۳۲۸ هزار میلیارد تومانی که دولت برای بودجه عمرانی در نظر گرفته است، صرفا برای تعمیر و نگهداری تاسیسات است و عملا هیچ کاری نمی‌توان با آن کرد. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که به نظر می‌رسد موضوع فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی در کشور ادامه خواهد داشت. در لایحه بودجه ۱۴۰۲ درآمدی که برای مرکز توسعه تجارت الکترونیک دیده‌اند، ۲۵۵ میلیارد تومان است، از این درآمد ۲۳۰ میلیارد تومان آن به خدمات الکترونیک دولت اختصاص پیدا می‌کند و ۲۵ میلیارد تومان به کل مجموعه خدمات الکترونیک. این نشان می‌دهد دولت برای انتقال به شبکه ملی، اهتمام جدی دارد و به دنبال آزادی پلتفرم‌های اجتماعی نیست و ۴۰ درصد بودجه ارتباطات نیز به شبکه ملی اطلاعات داده شده است. یعنی بودجه وزارت ارتباطات ۱۵ هزار میلیارد و شرایطی که ۶ هزار میلیارد تومان از آن به توسعه شبکه ملی اختصاص داده شده است. از سوی دیگر متاسفانه قیمت پیامک‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند و هر پیامک ۳۰ ریال افزایش دارد و درآمد دولت در این بخش نیز ۶۰۰ میلیارد تومان دیده شده است.

> آمریکا در این مدت هر کاری که می‌توانست علیه ایران انجام داد. اگر به گزارش‌های پژوهشکده خزانه‌داری آمریکا توجه کنیم متوجه می‌شویم که هر آن چیزی که آمریکا علیه ایران لیست کرده بود را انجام دهد. امروز ما در آخر خط تحریم‌ها قرار داریم

> بانک جهانی در سال مالی ۲۰۲۳-۲۰۲۴ نرخ تورم در ایران را ۴۴ درصد پیش‌بینی کرده است و صندوق بین‌المللی پول این رقم را حدود ۵۰ درصد پیش‌بینی کرده است. به این معنا که در سال آینده با حداقل با نرخ تورم ۴۰ الی ۵۰ درصد روبه‌رو هستیم

> دولت خود را برای سخت‌ترین وضعیت آماده کرده است. به نظر می‌رسد اتاق فکر دولت درنهایت به این نتیجه رسیده که احتمال به نتیجه نرسیدن مذاکرات وجود ندارد و به همین دلیل ما باید خود را برای سخت شرایط آماده کنیم. دولت این احتمالات را در نظر گرفته که در آینده ارزاری کاهش خواهد داشت و از سوی دیگر قادر نخواهد بود یارانه پرداخت کند. به همین دلیل بدترین سناریوی ممکن را برای خود در نظر گرفته است. اگر واقع بینانه به موضوع نگاه کنیم باید عنوان کنیم ما در مقابل تحریم‌ها هر چه باید پرداخت می‌کردیم پرداخت کرده‌ایم و دیگر چیزی باقی نمانده که باید هزینه کنیم. تحریم‌ها به‌اندازه کافی روی زندگی مردم ایران تأثیر منفی گذاشت. ما خسارت‌های زیادی در دوران تحریم متحمل شدیم و کسانی که کارشناس هستند به‌خوبی درک می‌کنند که برخی چیزهایی که در تحریم‌ها از دست دادیم بازگشت آن برای ما سخت و دشوار خواهد بود. شاید اگر روز نخست تحریم‌ها در این زمینه صحبت می‌کردیم باید به این نکته اشاره می‌کردیم دولت باید تلاش کند کشور تحریم نشود تا مجبور نشویم هزینه بدهیم. این در حالی است که امروز هر آنچه باید هزینه بابت تحریم‌ها پرداخت می‌کردیم پرداخت کرده‌ایم و در شرایطی قرار گرفته‌ایم که دولت مجبور است خود را برای سخت‌ترین وضعیت آماده کند. در مدتی که تحریم بودیم ما به فروش نفت به شیوه‌های دیگر و دور زدن تحریم‌ها عادت کرده‌ایم. من با درست و یا اشتباه بودن این وضعیت کار ندارم و بلکه معتقدم قرار نیست با رفع تحریم‌ها برای ما بهشت برین به وجود بیاید و همه مشکلات کشور حل شود. آمریکا نیز در این مدت هر کاری که می‌توانست علیه ایران انجام داد. اگر به گزارش‌های پژوهشکده خزانه‌داری آمریکا توجه کنیم متوجه می‌شویم که هر آن چیزی که آمریکا علیه ایران لیست کرده بود را انجام دهد. امروز ما در آخر خط تحریم‌ها قرار داریم و به همین دلیل نمی‌توان انتظار داشت لغو تحریم‌ها و توافق جدید بتواند مشکلات ما را به‌صورت جدی حل کند. در شرایط کنونی لغو تحریم‌ها می‌تواند تا حدودی مشکلات را کاهش بدهد اما شرایط به شکلی نیست که ما دوباره به نقطه ابتدایی بازگردیم. به همین دلیل من معتقدم برجام دیگر به نتیجه نمی‌رسد و به همین دلیل دولت خود را در سخت‌ترین وضعیت ممکن تصور کرده است.

> آیا بودجه سال آینده با توجه به نتیجه نرسیدن برجام بسته شده است؟ بن‌بست در مذاکرات و مشخص نبودن چشم انداز آینده به چه میزان در تدوین این بودجه نقش داشته است؟

واقعیت این است که دولت می‌توانست در ماه‌های گذشته اقداماتی انجام بدهد که تا به این اندازه مشکلات اقتصادی نباشد و اگر این کار را انجام داده بود امروز مجبور نبود تصمیماتی بگیرد که فشار اقتصادی را به مردم بیشتر شود. از شواهد و قرائن و گاردی که دولت گرفته فکر نمی‌کنم دیگر برجام به نتیجه برسد و دولت بتواند از مواهب آن استفاده کند. اگر شعارهای دولت را واقعی قلمداد کنیم و فرض بگیریم شعار نیست و بلکه خواست و اراده دولت است باید به این نکته اذعان کنیم که دولت خود را برای سخت‌ترین وضعیت آماده کرده است. به نظر می‌رسد اتاق فکر دولت درنهایت به این نتیجه رسیده که احتمال به نتیجه رسیدن مذاکرات وجود ندارد و به همین دلیل ما باید خود را برای سخت شرایط آماده کنیم. دولت این احتمالات را در نظر گرفته که در آینده ارزاری کاهش خواهد داشت و از سوی دیگر قادر نخواهد بود یارانه پرداخت کند. به همین دلیل بدترین سناریوی ممکن را برای خود در نظر گرفته است. اگر واقع بینانه به موضوع نگاه کنیم باید عنوان کنم ما در مقابل تحریم‌ها پرداخت کرده‌ایم و دیگر چیزی باقی نمانده که باید هزینه کنیم. تحریم‌ها به‌اندازه کافی روی زندگی مردم ایران تأثیر منفی گذاشت. ما خسارت‌های زیادی در دوران تحریم متحمل شدیم و کسانی که کارشناس هستند به‌خوبی درک می‌کنند که برخی چیزهایی که در تحریم‌ها از دست دادیم بازگشت آن برای ما سخت و دشوار خواهد بود. شاید اگر روز نخست تحریم‌ها در این زمینه صحبت می‌کردیم باید به این نکته اشاره می‌کردیم دولت باید تلاش کند کشور تحریم نشود تا مجبور نشویم هزینه بابت تحریم‌ها پرداخت می‌کردیم پرداخت کرده‌ایم و در شرایطی قرار گرفته‌ایم که دولت مجبور است خود را برای سخت‌ترین وضعیت آماده کند. در مدتی که تحریم بودیم ما به فروش نفت به شیوه‌های دیگر و دور زدن تحریم‌ها عادت کرده‌ایم. من با درست و یا اشتباه بودن این وضعیت کار ندارم و بلکه معتقدم قرار نیست با رفع تحریم‌ها برای ما بهشت برین به وجود بیاید و همه مشکلات کشور حل شود. آمریکا نیز در این مدت هر کاری که می‌توانست علیه ایران انجام داد. اگر به گزارش‌های پژوهشکده خزانه‌داری آمریکا توجه کنیم متوجه می‌شویم که هر آن چیزی که آمریکا علیه ایران لیست کرده بود را انجام دهد. امروز ما در آخر خط تحریم‌ها قرار داریم و به همین دلیل نمی‌توان انتظار داشت لغو تحریم‌ها و توافق جدید بتواند مشکلات ما را به‌صورت جدی حل کند. در شرایط کنونی لغو تحریم‌ها می‌تواند تا حدودی مشکلات را کاهش بدهد اما شرایط به شکلی نیست که ما دوباره به نقطه ابتدایی بازگردیم. به همین دلیل من معتقدم برجام دیگر به نتیجه نمی‌رسد و به همین دلیل دولت خود را در سخت‌ترین وضعیت ممکن تصور کرده است.

دیدگاه

سه خطای استراتژیک در افکار عمومی ایرانی نسبت به عراق

اخیرا ماجرای برگزاری بیست‌وپنجمین دوره مسابقات فوتبال «عرب کاپ» حجمی گسترده از واکنش‌ها را در داخل ایران به خود معطوف کرده است. به ویژه پس از آن‌که چهره‌های مطرحی همچون محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق و مقتدی صدر، از واژه جعلی (خلیج عربی) به جای واژه همیشگی خلیج فارس استفاده کردند. این موضوع بیش از بیش در کانون توجهات قرار گرفت. جام ملت‌های کشورهای عربی این روزها در کشور عراق، شهر بصره با حضور هشت تیم میزبان، عمان، عربستان سعودی، یمن، بحرین، کویت، قطر و امارات در حال برگزاری است. برگزاری مسابقات از عبارت جام «خلیج عربی» استفاده کرد. در چنین بستری، در چند روز گذشته این تصور ایجاد شده که رویکرد جدید دولت عراق نماد دور شدن این کشور از ایران است. حتی بسیاری بر این باور هستند که اتفاق اخیر نشانه افول مناسبات و گرایش دولت عراق به سوی حلقه ضد ایرانی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. اما برخلاف استدلال‌های فوق، چنین تصوری نه تنها اشتباه بوده، بلکه ناشی از خطاهای کلیدی در سیاست خارجی و نوع نگاه افکار عمومی ایرانی به مناسبات ایران و عراق است. در اثبات این ادعا نیز می‌توان به سه خطای استراتژیک در نگاه به کلیت ساختار سیاسی و اجتماعی عراق در سطح محافل سیاسی و عمومی اشاره کرد:

خوانش نادرست از اتحاد استراتژیک

در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ تاکنون، همواره یکی از رویکردهای اساسی در حوزه سیاست خارجی ایران سخن به میان آوردن از تلاش برای اتحاد استراتژیک با عراق بوده است. این رویکرد به ویژه پس از خروج نظامیان آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱ بیش از گذشته تقویت شد و در جریان ظهور و سقوط داعش در این کشور نیز، ابعاد گسترده‌تر و البته ملموس‌تری به خود گرفت. به‌گونه‌ای که طی چند سال اخیر بارها شاهد بوده‌ایم که مقامات وزارت خارجه ایران از عراق به عنوان متحدی استراتژیک یاد کرده‌اند. بخش بزرگی از نارضایتی‌ها و واکنش منفی افکار عمومی ایرانی نیز به ماجرای عرب کاپ و استفاده از واژه جعلی خلیج عربی نیز منتج از همین رویکرد است. یعنی برای سیاست‌مداران و جامعه ایرانی قابل پذیرش نیست که یک متحد استراتژیک، در باب یکی از حیثیتی‌ترین مسائل برای ایرانیان، چنین رویکردی را اتخاذ کرده باشد. در پرداختن به این موضوع در ابتدا ضروری به نظر می‌رسد که تعریفی هر چند مدخلی، اما جامع از مفهوم اتحاد استراتژیک در روابط بین‌الملل ارائه شود. در قاموس علم سیاست، اتحاد استراتژیک به نزدیکی و همگرایی میان دو یا چند بازیگر اطلاق می‌شود که اهداف مشترکی در حوزه منافع، سیاست‌گذاری و مقابله با تهدیدات داشته باشند. در باب مناسبات میان ایران و عراق، باید توجه داشت که بخشی بزرگ از پتانسیل‌ها برای اتحاد استراتژیک وجود دارد اما اینکه دو کشور را متحد استراتژیک معرفی کرد، به نوعی بزرگ‌نمایی در سطح روابط است. اساسا در سطوحی همچون، مدل حکمرانی، زیست اجتماعی و حتی فرهنگ سیاسی دو کشور، تفاوت‌های عمیقی وجود دارد. در حوزه تعریف منافع ملی، سیاست‌گذاری و تهدیدات نیز دو کشور تفاوت‌های فاحشی دارند. بنابراین، سخن به میان آوردن از اتحاد استراتژیک در مناسبات دو کشور بر خلاف واقعیات میدانی است.

شناخت نادرست از جامعه چند هویتی عراق

یکی دیگر از خطاها در نگاه افکار عمومی ایرانی نسبت به جامعه و حکمرانی در کشور عراق، عدم شناخت درست از نفوذ و تاثیر هویت‌های چندوجهی و راهبرد کلان سیاست خارجی عراق در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ است. کشور عراق از بطن تاسیس در ۱۹۲۱ تاکنون، به عنوان جامعه چندهویتی متشکل از اعراب، کردها، ترکمن، آشوری، مسیحی و... شناخته می‌شود. در هریک گروه‌های هویتی نیز رویکردهای متفاوتی وجود دارند. بدین معنا که در میان شیعیان، کردها و اهل سنت، عدهای طرفدار نزدیکی به آمریکا و عدهایی طرفدار نزدیکی به ایران بوده‌اند. همین نگاه متعارض نیز دائما موجب شده که نوعی موازنه در سیاست خارجی عراق صورت بگیرد. در چنین بستری طی سال‌های گذشته به وضوح قابل مشاهده است که حتی نزدیک‌ترین متحدان ایران نیز زمانی که در رأس قدرت حضور داشته‌اند به جای نزدیک دهه‌جانبه با ایران، تلاش کرده‌اند موازنه در سیاست خارجی را حفظ کنند. در چنین بستری اساسا این که یک سیاست‌مدار عراقی مواضع و رویکرد ایران را بازگو نماید، به هیچ عنوان با واقعیات انطباق ندارد. مهم نیست که نوری المالکی، محمد شیاع السودانی، فائح الفیاض یا حتی هادی العامری به عنوان چهره‌های نزدیک و متحد ایران در قدرت باشند یا شخصی نزدیک به آمریکا همچون مصطفی الکاظمی. بغداد مسیر استقلال و حفظ موازنه را در سیاست خارجی خود در پیش گرفته است. چون عرب عربی نیز چیزی نیست که به اسانی جامعه و حتی نزدیک‌ترین سیاسیون عراقی به ایران نیز بتوانند از آن بگذرند.

عراق باید قدردان ایران باشد

یکی از نگاه‌هایی که در افکار عمومی ایرانی نسبت به مناسبات با عراق وجود دارد این است که عراق برای سیاسگزاری از همراهی و کمک‌های بزرگ تهران به این کشور در جنگ با داعش باید قدردان همیشگی ایران باشد. از نظر منطق اخلاقی این قاعده درست به نظر می‌رسد؛ چرا که عراقی‌ها وضعیت کنونی خود را تا مدیون حمایت‌های بی‌دریغ ایران هستند. شاید همین امر نیز باشد که حساسیت‌ها به برگزاری عرب کاپ در بصره را در میان ایرانیان برانگیخته است. شاید حتی چنین توهم شود که عراقی‌ها به ایران خیانت کرده‌اند. اما در چارچوب یک نگاه واقع‌بینانه به هیچ عنوان چنین استدلالی را نمی‌توان با واقعیت تاریخ روابط بین‌الملل منطبق دانست.

فریدون مجلسی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ایران ذیل فصل هفتم منشور بود، واقعیت را بپذیریم

- بدون اجرای اف‌ای تی‌اف، احیای برجام سود ندارد
- غربی‌ها از راه حل‌های میانبر برای رسیدن به توافق استفاده خواهند کرد

آرمان ملی: پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درگیر با سه پرسش از سوی آژانس است؛ سه پرسشی که اگر از سوی ایران پاسخ داده شود عملا مسیر برجام را برای بازگشت به برجام باز خواهد شد اما این سطح حقوقی ماجراست و اراده سیاسی لازم برای بازگشت به برجام باید به وجود آید. چرا که از برجرد اراده دو طرف است که بازگشت به برجام محقق می‌شود. از این رو هر چند سطح حقوقی بازگشت به برجام در دسترس است اما سطح سیاسی آن یعنی اراده در بین دو طرف از قدرت چندانی برخوردار نیست. خصوصا روایی‌ها که طرحی در این زمینه ارائه دادند و به طور کلی از سوی ایران و حتی آمریکایی‌ها نادیده گرفته شده است و آنها نیز این نادیده گرفتن را بهانه‌ای قرار داده‌اند تا عملا با توسل به وضع تحریم‌های مختلف به صورت دقیق زیر برجام بزنند اما این اراده از سوی ایران و واشنگتن وجود دارد که به توافقاتی در زمین برجام برسند. اگر قرار باشد ایران و آمریکا در مورد برجام با یکدیگر به توافقی برسند احتمالا این توافق به واسطه کشوری ثالث است. البته هیچ گونه خبری در این زمینه در دسترس نیست و تنها حدس و گمان در این ارتباط وجود دارد. حال باید دید در آینده شرایط چگونه خواهد شد و دود سفید یکباره در ارتباط با برجام دیده می‌شود یا اینکه شراره‌های سوختن برجام نمایان خواهد شد.«آرمان ملی» در ارتباط با پرونده هسته‌ای با فریدن مجلسی، کارشناس روابط بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

برخی از تحلیلگران از مرگ برجام سخن به میان آورده‌اند. آیا برجام به اعتقاد برخی در شرایط کماست و به مرگ نزدیک می‌شود؟

برجام از همان ابتدا که برخی مخالفت‌های عملی و سیاسی با آن را علنی کردند در شرایط ناسامد قرار گرفت. روابط ایران با غربی‌ها خصوصا بعد از جنگ اوکراین و حاشیه‌هایی که در این جنگ برای ایران به وجود آمد، دچار خدشه شد. همچنین برخی شرایط پدید آمده در داخل ایران باعث شد برخی نگاه‌های حقوق بشری در مورد ایران تحریک شود. از سوی دیگر برخی کشورهای منطقه نیز عملا به دشمن درجه یک ایران در خاورمیانه نزدیک شدند. تمام این موارد باعث شد که عملا بازگشت به برجام همانند قبل از حمایت چندانی برخوردار نباشد. از سوی دیگر ایران هم در برابر دست به اقداماتی زده و سطح غنی‌سازی خود را افزایش داده است و این افزایش و دیدگاه ایران موجب شده عملا غرب با حساسیت بیشتری به تحرکات هسته‌ای ایران بنگرد. از این منظر به نظر برجام اساسا در شرایط کنونی از موقعیت چندان مطلوبی برخوردار نیست.

البته آقای گوترش اعلام کرده است که تلاش‌ها برای احیای برجام باید ادامه داشته باشد و سازمان ملل از برجام حمایت می‌کند. آیا اینکه دبیرکل سازمان ملل در مورد برجام ابراز خرسندی کرده را نمی‌توان خبری مثبتی تحلیل کرد؟

اگر گوترش ابراز امیدواری کرده که برجام احیا خواهد شد، به این علت است که او دبیرکل سازمان ملل متحد است و دبیرکل باید از یک روند صلح‌آفرین برای جهان حمایت کند. سازمان ملل متحد باید شرایطی را به‌وجود آورد که از تنش پرهیز شود. بسیاری از کشورهای جهان نیز از ایجاد تنش حمایت نمی‌کنند اما گویا برخی هنوز هستند که علاقه دارند که شرایط بهبود نیابد. در برابر این تفکر که برجام را برنمی‌تابند، هستند سیاست‌مدارانی که از رفاه و آسایش و صلح حمایت می‌کنند. البته باید در انتظار بود و مشاهده کرد که کدام نگرش در آینده غالب خواهد شد. به نظر می‌رسد باید تصمیمی گرفته شود تا نوعی تعادل بین طرفی که برجام را می‌خواهد و طرفی که برجام را نفی می‌کند، ایجاد شود.

گروسی، دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ضمن اینکه اعلام کرده احیای برجام در بن‌بست قرار گرفته و گفته حاضر است به تهران بیاید تا بن‌بست‌ها باز شود، چنین سفری تا چه اندازه می‌تواند مفید باشد؟

سفر گروسی به تهران در صورتی می‌تواند مفید باشد که تماس‌های مستقیم یا غیرمستقیم با وی صورت گرفته و قول و قراردادی داده شده باشد. در این صورت غرب نیز از هر گونه سفری به ایران که به حل مشکلات حوزه برجام بینجامد، استقبال می‌کند. چرا که غرب خود در گیر بحران‌های اقتصادی شده است چون لوله گاز نودستریم بر روی اروپا قطع شده و از سوی دیگر در جنگ اوکراین در گیر است و تمایل د